

امروز شما

فروردین / لبریز می کند. انسان احساساتی هستی و زود تحت تاثیر قرار می گیرید، این روحیه را کنار بگذارید و واقعیت های زندگی را بپذیرید. پولی که با هزار و یک زحمت بدست آورده اید را بدون مشورت سرمایه گذاری نکنید.

اردیبهشت / بیشتر از همیشه حواس تان را به انجام کارها جمع کنید چرا که احتمال سهل انگاری شما وجود دارد. روز خوبی را در پیش دارید و به رغم اینکه انتظارش را نداشته اید، پولی به دست تان می رسد.

خرداد / امروز با حجم زیادی از کارها روبرو خواهید شد، اما انرژی لازم را بدست می آورید و خسته نخواهید شد. پولی که با هزار و یک زحمت به دست آورده اید را ولخرجی نکنید. انسان محبوبی هستید و امروز اطرافیان را مانند آهنربا به خودتان جذب می کنید.

تیر / ذهن آشفته ای دارید و نگرانی و اضطراب ذهن تان را فلج کرده و قادر به فکر کردن به امور مهم زندگی نیستید، قبل از اینکه این وضعیت جلوی پیشرفت شما را بگیرد و سلامت تان را به خطر بیاندازد، به هر قیمتی که شده اضطراب و نگرانی را از ذهن و جسم خود دور کنید و دغدغه ها را کنار بگذارید.

مرداد / بدرفتاری با همسر تان را کنار بگذارید. برای افزایش درآمد پول خود را تجارتنی مطمئن و بی ضرر سرمایه گذاری کنید. روزی رمانتیک و سرشار از عشق و محبت را تجربه می کنید. فرد سرشناس و بانفوذی سر راه تان قرار خواهد گرفت.

شهریور / انسان صبوری نیستی و زود ناراحت می شوید، این روحیه به غیر از اضطراب و نگرانی چیزی برای شما به دنبال ندارد. به لحاظ کاری با رقبای زیادی طرف هستید، اما به این رقبا میدان ندهید و برای موفقیت از هوش سرشار خود کمک بگیرید. ایده های زیادی در ذهن دارید، اما تاکنون برای انجام این ایده ها آستین بالا نزنده اید، امروز زمان مناسبی است که به ایده های خود جامه عمل بپوشانید. همسر تان امروز حساسی شما را تحویل می گیرد و جام وجود تان را از عشق

مهر / فردی از آشنایان به دستاوردهای شما حسادت می کند و چشم دیدن موفقیت های تان را ندارد. نگرانی های پیش از حد را کنار بگذارید و به خاطر داشته باشید که کاری از دست شما برای حل تمام مشکلات دنیا بر نمی آید. امروز یکی از دوستان نزدیک پیشنهاد وسوسه انگیزی را برای افزایش درآمد مطرح می کند.

آبان / پیش از حد به خواسته های دل تان اهمیت می دهید و انسان هوس بازی هستید، اگر مواظب این روحیه نباشید، امروز کار دست خودتان می دهید. فردی به شما پیشنهاد سرمایه گذاری می کند، این پیشنهاد را جدی بگیرید و زمینه افزایش درآمد تان را فراهم کنید.

آذر / سری به بزرگ ترها بزنید و از آنها دلجویی کنید. قدر لحظه های زندگی خود را بدانید و تا می توانید عاشقی کنید. مسئولیت های که بر دوش دارید را به بهترین نحو ممکن انجام دهید و تبتلی را کنار بگذارید. به فکر روز مبادا باشید و امروز پولی را برای آینده پس انداز کنید.

دی / برای جلوگیری از اضافه وزن از ورزش و تحرک کمک بگیرید. به لحاظ مالی روز خوبی را آغاز نکرده اید و احتمال زیادی وجود دارد که ولخرجی کنید، در نتیجه امروز بیشتر از همیشه حواس تان به حساب و کتاب های تان باشد روز را بدون ولخرجی و خریدهای غیر ضروری به پایان برسانید.

بهمن / نگرانی های زیادی در زندگی روبرو هستید و شبی نیست که خواب راحتی داشته باشید، قبل از اینکه ادامه این وضعیت کار شما را به بستر بیماری بیاندازد، امروز به خودتان مرخصی بدهید و با یکی از اعضای خانواده یا دوستان صمیمی که رابطه خوبی با ایشان دارید، گفتگو کنید.

اسفند / دست تان را به زانوی خودتان بگیرید و مشکلات را حل کنید. فرصتی برای افزایش درآمد در پیش روی شما قرار دارد، از این فرصت نهایت استفاده را ببرید. نظر خود را به اطرافیان اعمال می کنید.

این دو تصویر مردم ایران را شوکه کرد



نوشت: «این فیلم را هی می بینم و هی بیشتر دردم می گیرد. از زمین خوردن آن زن و از حال و روز کار خودمان دردم می گیرد.»

در تصویری هم که در بالا مشاهده می کنید وضعیت بحرانی شیوع کرونا را در تهران می بینید. تصویری از بیمارستان مسیح دانشوری که به خاطر پر شدن تخت های بیمارستان، بیماران در پارکینگ و روی یک صندلی نگهداری می شوند تا بتوانند که تخت در بیمارستان خالی شود و بتوانند در شرایط بهتری قرار بگیرند. این در حالی است که هنوز هم خبرهایی از برگزاری مهمانی، مراسم عروسی و ختم شیده می شود که مهم ترین عامل شیوع ویروس کرونا هستند. کاربری نوشت: «کاش مسئولان قبل از این که شرایط به این وضع دربیاد تمهیداتی در نظر می گرفتند.» کاربر دیگری نوشت: «ماسک ۸۵ درصد احتمال آورده شدن رو کم می کنه پس لطفا به خاطر خودت ماسک بزنی و این ویروس رو شوخی خوردن هموطن خود می خندند. کاربری

آن هستیم نشان می دهد. ویدئویی از پاساژ فردوسی تهران که هجوم مردم در ابتدای صبح برای قرار گرفتن در صف خرید دلار ۲۲ هزار تومانی را نشان می دهد که در آن زنی به خاطر عجله به زمین می خورد و کارکنان یک صرافی که پشت درهای بسته روی صندلی خود نشسته اند و از هجوم مردم برای خرید دلار فیلم می گیرند و از زمین خوردن هموطن خود می خندند. کاربری

هجوم مردم برای خریدن دلار صرافی و بستری شدن بیماران کرونایی در پارکینگ مسیح دانشوری ۲ تصویری بود که شوکه مان کرد.

به گزارش ثریا یک ویدئو و یک عکس شرایط ترسناک ارزی و کرونایی در کشور را به تصویر کشیدند. ویدئویی که منتشر و در شبکه های اجتماعی دست به دست شد، عمق فاجعه اقتصادی را که این روزها شاهد

اعلام نونوار شدن شاهکار معماری ایران در یزد



این مرمتکار میراث فرهنگی و نائب رئیس پایگاه میراث جهانی بافت تاریخی یزد در مورد ویژگی های گنبد مسجد جامع تصریح کرد: این گنبد از نوع دو پوسته گسسته و دارای تزئینات کاشی کاری به صورت معقلی و کوفی بناایی بوده و بخشی از کاشی های ساقه آن دارای تزئینات خط کوفی بناایی، با کاشی نره مزین به واژه «الله» است.

گفتنی است، مسجد جامع کبیر یزد یکی از شاهکارهای معماری و تاریخی جهان بشمار می رود، که به دستور گرشاسب از نودگان علاء الدوله کالجبار ساخته شده و بنای اصلی مسجد کنونی از آثار سید رکن الدین محمد قاضی است. از امتیازات هنری و معماری این مسجد می توان به قدرت و استواری کاشیکاری های نفیس و زیبایی لاجوردی آن اشاره کرد.

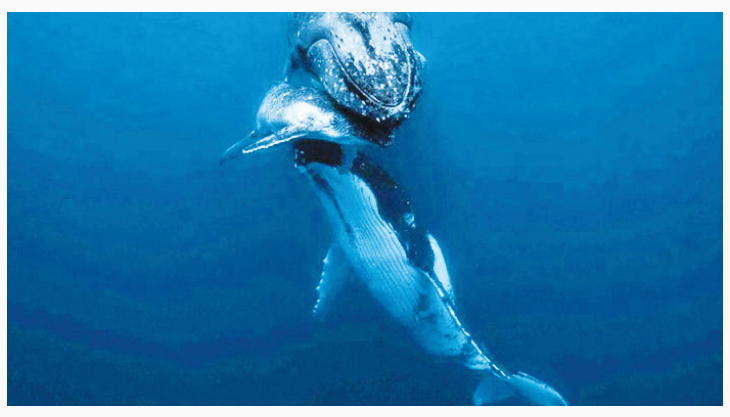
این شاهکار معماری در یزد قدمتی متعلق به قرن هشتم هجری قمری دارد و با شماره ثبتی ۲۰۶ در سال ۱۳۱۳ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید.

ایسنا/ براساس سخنان کارشناس ارشد مرمت آثار تاریخی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی یزد، نونوار شدن شاهکار معماری ایران در یزد صورت می گیرد.

مجید علومی از مرمت و بهسازی کاشیکاری گنبد مسجد جامع یزد خبر داد و اظهار کرد: به دلیل قرارگیری این گنبد در ضلع شمالی بنا، این گنبد بیشتر در معرض عوامل فرسایشی همچون باد، باران و آفتاب قرار دارد و همین مساله باعث تخریب ملات و اندودش شده است.

وی با اشاره به اینکه عملیات مرمتی این بنا توسط استادکاری مجرب و یکی از نیروهای امانی اداره کل میراث فرهنگی انجام می شود، گفت: پس از مستندنگاری کاشی هایی که در محل تخریب شده قرار گرفته اند، آنها را از بستر کار جدا کرده و دوباره روی طرح اصلی چیده، سپس به صورت ریختن تخمیر با دودغاب گچ مسلح به صورت سنتی، روی سطح ساقه گنبد بازگردانده می شود.

گران ترین تصویر جهان از نهنگ و نوزادش!



عکسی که یک عکاس اهل بریزبین استرالیا از یک نهنگ گوژپشت و نوزاد دو هفته ای او گرفت، برنده جایزه بزرگ ۱۷۲ هزار دلاری رقابت عکاسی بین المللی همدن موسوم به جایزه هپیا شد.

به گزارش پایگاه خبری نشان: عکسی که یک عکاس اهل بریزبین استرالیا از یک نهنگ گوژپشت و نوزاد دو هفته ای او گرفت، برنده جایزه بزرگ ۱۷۲ هزار دلاری رقابت عکاسی بین المللی همدن موسوم به جایزه هپیا شد.

خواندن

جزئیاتی کمتر شنیده شده از زندگی پر حادثه سیروس گرجستانی



سیروس گرجستانی با نام اصلی علی اکبر محمودزاده گرجستانی ۲۵ اسفند ۱۳۳۳ در رشت به دنیا آمده بود؛ به قول خودش «رشت متمدن».

به گزارش جام جم آنلاین به نقل از ایسنا، او اصالتی آذری داشت و گفته می شود که پدر او از باکو به ایران مهاجرت کرده بود.

هشت ساله بود که پدر و مادرش به تهران کوچ کردند؛ تهران ناصر خسرو، کوچه مروی. کوچهای باریک و بن بست با دیوارهای کاه گلی و خانه های قدیمی. گرجستانی در خاطراتش از آن دوران به یاد می آورد که کارخانه، دوم ابتدایی، بغل دستی هایش که دو تا «بچه تهرون» بودند چطور پس کله اش می زدند و لهجه ی رشتی اش را مسخره می کردند. همین بود که باعث شد مدت ها در خانه جلوی آینه بنشیند و لهجه ی «تهرونی» را تمرین کند. او آفتاب برای این کار انگیزه و استعداد داشت که به قول خودش از کلاس سوم دیگر مثل «آنها» حرف می زد.

نوجوان که بود، پدر و مادرش از هم جدا شدند و سیروس پیش مادر و ناپدری اش بزرگ شد. پدرش پیرمردی دستفروش و دوره گرد بود که خرجش را می داد. در نوجوانی از بازی کردن فوتبال در کوچه ها و زمین های خاکی محله به سمت فوتبال حرفه ای کشیده شد. با تشویق دور و بری ها به باشگاه شاهین (پرسپولیس فعلی) رفت و در تیم نوجوانان آن عضو شد. بعد از بازی در رده های پایین باشگاه، به دسته اول رسید و چهار سال در سطح اول فوتبال آن زمان در کنار بازیکنانی مثل همایون بهزادی و ناصر ابراهیمی بازی کرد.

او بیشتر وقت ها به جای نشستن سر کلاس درس در ورزشگاه امجدیه توپ می زد. بعد از اینکه با هزار زحمت دیپلمش را گرفت و با اینکه بزرگ ترین آرزویش رفتن به تیم ملی فوتبال ایران بود، یک روز به خودش گفت: «این نامردیه سیروس که تو بخوای ورزش کنی، فوتبال بازی کنی، بری تیم ملی، این پیرمرد کار کنه بده به تو.» این شد که عشق و احترام او به پدرش به علاقه اش به فوتبال چریبید و سیروس گرجستانی بعد از گرفتن دیپلم، فوتبال را برای همیشه کنار گذاشت و رفت سر کار.

به یاد می آورد که وقتی اولین حقوقش را گرفت، با شوق و ذوق رفت برای قدردانی از پدر پیرش. می خواست اولین حقوقش را به پدرش بدهد و از آن به بعد او از پدرش مراقبت کند. به محل اقامت پدرش که اتاقکی بود در مسافرخانه ای محقر در ناصر خسرو رفت اما کسی از پیرمرد خبری نداشت. به پاتوق او که قهوه خانه ای بود هم رفت اما باز خبری نبود. بعد از ماه ها جست و جو و حتی سر زدن به پزشکی قانونی، خبری از پدر نشد که نشد. او با حقوق ماه اول کاری اش که قرار بود خرج نگهداری از پدر باشد، دست آخر دو عروسک چینی خرید و گذاشت سر طاقچه که تا آخر عمر نگاه کردن به آنها، یاد پدر و سرنوشت میهم او را برایش تازه می کرد.

اولین کار سیروس گرجستانی انبارداری در کارخانه ی «آزمایش» بود. آنجا با مرحوم «هادی اسلامی» آشنا می شود. هادی که در کارخانه، زبردست سیروس بود به دوست نزدیکی او تبدیل شد اما بعد از یک سال او کارخانه را ترک می کند تا اینکه دو سه سال بعد این دو دوست بطور اتفاقی در نزدیکی «تاتار شهر» به هم برمی خورند و اسلامی می گوید که وارد تئاتر شده و به گرجستانی هم پیشنهاد می دهد که نقشی در یک نمایش را برعهده بگیرد؛ نقش یک «آب حوضی». بعد از آن در چند نمایش دیگر نقش های پیش پا افتاده گرفت. گرجستانی در سال ۴۵ هم در دو فیلم سینمایی ظاهر شده بود اما «بازیگر سینما» نبود.

او که کار انبارداری را رها کرده و به استخدام وزارت فرهنگ و هنر درآمد بود، فعالیت حرفه ای و بدون وقفه ی خود در عرصه ی هنرهای نمایشی را از اولین سال پس از انقلاب شروع کرد. گرچه پیشتر اینجا و آنجا نقش های کوچکی گرفته بود اما سال ۱۳۵۸ در دو فیلم سینمایی بازی کرد و سال ۵۹ در دو فیلم دیگر؛ در سال ۶۲ در فیلم «دشاه» به کارگردانی حبیب کاوش و تله تئاتر «هنگامه شیرین وصل» به کارگردانی هادی مرزبان و نمایش «مخمس» به کارگردانی فرهاد مجدآبادی بازی کرد و بعد از آن می شد گفت «سیروس گرجستانی، بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون».

او بین سال های ۵۷ تا ۹۹ دست کم در ۶۸ اثر تلویزیونی ایفای نقش کرد که به یاد ماندنی ترین آنها شاید نقش آفرینی او در سریال «شهریار» باشد؛ نقشی که خودش می گوید علت خوب شدنش این بود که سر و شکل و هیبت استاد شهریار در سال های پیری، او را به یاد پدر پیرش می انداخت و به قول خودش «شهریار گرچه نقش سختی بود اما برای من آسان ترین نقش شهریار بود؛ برای اینکه شهریار تمام ویژگی های پدر خدایبارمزم - هیکلش، قیافه اش، حرف زدنش - را داشت. من در واقع پدرم را بازی کردم».

عکس های روز:

تندیس سیمرخ افسانه ای در کازرون

عکس از: **محمد رضا نوکام**

طبیعت روستای دشتک - فارس

عکس از:

محمد رضا نوکام